|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|

|  |
| --- |
|  |

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
|  |  |  |  |  |
|  |

|  |
| --- |
|  |
|  |

  |

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
|

|  |
| --- |
|  |
|

 |  |  **معمای گلدسته‌های تورات**هوشنگ کرملیمتداول‌ترین نوع تزئینات طومارهای تورات، در همه جامعه‌های یهودی، یک جفت گلدسته‌ای است که زینت‌بخش قسمت بالایی طومار گردیده است. این گلدسته‌ها در خلال سده‌های میانه به وجود آمده و تغییر و تحول یافته‌اند، و برای اولین بار در فهرست اقلام موجود در آرشیو قطعات و نوشته‌های متبرک (مربوط به سال 1159) شهر قاهره (گنیزای قاهره) از آنها نام برده شده است. رسم یهودیان اشکنازی ایتالیایی و سفارادی بر آن بوده است که گلدسته‌ها را مستقیماً بر رأس دو میله (محور یا غلتک) ویژه باز و بسته کردن و جلو و عقب بردن صفحات یا پانل‌های طومار تورات نصب می‌کردند؛ هر چند، در جامعه‌های یهودی آفریقای شمالی، یمن و خاور دور، طومارها در صندوقچه یا محفظه چوبی نگهداری می‌شدند و گلدسته‌ها بر روی محفظه‌های مزبور یا روی غلتک‌های طومار و یا روی دو میله مورب متصل شده به طرفین تاج کروی شکل تورات قرار داده می‌شدند. در اصل همگی گلدسته‌های تورات به صورت شیئی مدور و کروی، سوار شده بر روی یک بدنه استوانه‌ای، ساخته می‌شدند. با توجه به مشابهت جسم مزبور با میوه‌ها، آن‌ها را רימונים (به عبری : ریمونیم) «انارها» یا תפוחים (تپوحیم) «سیب‌ها» نیز می‌نامیدند. به مرور زمان در شکل ابتدائی گلدسته‌های مزبورر تغییراتی داده شد: زنگوله‌هایی به آنها اضافه شد، و شکل کروی آن کشیده‌تر، خمیده و یا پیازی (شلجمی) شکل گردید. در برخی از موارد رأس گلدسته‌ها با کلاهک یا قطعه‌ای نوک‌دار تزئین می‌شد. در برخی از جوامع اشکنازی و سفارادی بدنه کروی شکل آنها به شکل برج تغییر داده شد. با وجود این، و علی‌رغم تغییراتی که در طرح و شکل گلدسته‌ها داده شده است، نام و طرز قرار گرفتن آنها در قسمت بالایی طومارهای تورات بدون تغییر باقی مانده است. یکی از مستثنیات جالب بر قاعده مرسوم در جامعه‌های یهودی ایران دیده شده است. در این جامعه‌ها محفظه‌های تورات به جای دو با چهار گلدسته آراسته شده‌اند. در برخی از جوامع ساکن مناطق غربی ایران، از جمله کردستان، چهار و حتی شش گلدسته کروی شکل روی تاج تورات قرار گرفته‌اند، در حالی که در نواحی شرقی چهار یا شش گلدسته روی در مسطح محفظه سوار شده‌اند. محفظه‌های تورات متداول در این نواحی نه تنها از حیث تعداد گلدسته‌ها، بلکه از لحاظ شکل آنها نیز با نمونه‌های متداول در دیگر مناطق متفاوتند. در شهرهای یزد و مشهد دو نوع گلدسته کروی و مسطح بر روی محفظه دیده شده‌اند. در قسمت جلو و عقب دو جفت گلدسته کروی شکل و در بین آنها یک گلدسته مسطح (تخت) در بالا و یا در کنار غلتک‌های طومار قرار گرفته‌اند. همین رسم در شهر هرات واقع در افغانستان، که جمعیت یهودی آن ریشه و اصلیت مشهدی ایرانی دارند، نیز وجود دارد. گلدسته‌های مسطح ممکن است به اشکال مختلف از قبیل مربع، شاخ زنبق و یا بته ترمه‌ای، به کار رفته در نمونه‌های یزدی محفظه‌های تورات، ساخته شوند. مسطح بودن گلدسته‌ها طرح بته ترمه‌ای را به وضوح از دو جفت دیگر نصب شده بر روی این محفظه‌ها و همچنین از گلدسته‌های معمولی در سایر جوامع، که دارای اشکال کروی، مطبّق، برجی شکل و غیره هستند، متمایز می‌سازند. به کار بردن گلدسته‌های مسطح، محفظه تورات‌های متداول در نواحی شرقی ایران را با آن چه در عراق و غرب ایران (ازجمله کردستان) ساخته می‌شد، متفاوت می‌سازد. از مختصات گلدسته‌های ساخته شده در نواحی اخیرالذکر تاجی پیازی شکل با کاکل یا جقه‌ای پهن‌تر است که بر روی آن دو تا شش گلدسته کروی شکل سوار شده‌اند. با وجود این، شکل و محل قرار گرفتن گلدسته‌های مسطح روی محفظه تورات تنها وجه تمایز آنها از انواع دیگر نبوده، بلکه تفاوت‌های پیچیده‌ای نیز در نام و کاربرد آن‌ها در این مجموعه وجود دارد. تفاوت‌ها بدین‌سان توسط اعضاء جامعه نشان داده شده است که از نظر آن‌ها اشیاء فوق گلدسته‌های تورات (ریمونیم، تپوحیم) نبوده، بلکه به عنوان تاج‌های تورات (یا כתרים کتاریم به زبان عبری) شناخته میشدند. در نمونه‌های افغانی حتی هویت آنها با حک عبارت عبری כתר תורה (کتر توراه) «تاج تورات» ، در این مثال بر روی بالاترین برگ گلدسته سمت راست، مشخص شده است. گلدسته‌های مربوط به قرن نوزدهم، متعلق به کلکسیون خانواده گروس، نمونه‌هایی از یک دوجین گلدسته‌های نوع افغانی‌اند که شواهدی از وجود سنتی معمول در نواحی شرقی ایران به دست می‌دهند، سنتی که اکنون کاملاً از بین رفته است. متن منقوش متشابه در یک جفت کتاریم کمیاب کار یزد، در موزه اسرائیل در اورشلیم نگهداری می‌شود. کتاریم مزبور، که در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم ساخته شده‌اند، محتملاً در نوع خود اولین نمونه‌ها به شمار می‌روند. ساختمان آنها از یک پایه استوانه‌ای کوتاه ویک بدنه گلابی شکل، همانند کتاریم مسطح افغانی موجود در کلکسیون گروس، تشکیل شده است. قسمت بدنه به تدریج باریک‌تر شده و سپس در قسمت انتهایی باز شده و به شکل جقه یا کامل در می‌آید. در قسمت بالایی لوحه‌های کاغذی عبارت عبری כתר תורה (کتر توراه) «تاج تورات» کنده‌کاری شده است. اگر چه لوحه سمت راست تقریباً به طور کامل محو شده است، لکن کلمه عبری כתר قابل تشخیص بوده و می‌توان چنین فرض کرد که کلمه תורה روی لوحه مفقود شده سمت چپ حک شده باشد. آنچه از لحاظ بحث تحلیلی، حایز اهمیت است، وجود آیات کتاب مقدس וזאת התורה (وزوت هتوراه) «و اینست تورات» بر روی تاج‌ها است و این آیات چنین‌اند: «و این است تورات که موسی پیش روی بنی‌اسرائیل نهاد.» (کتاب تثنیه، باب چهارم آیه 44). و آیه תורה צוה «موسی توراتی (شریعتی) بر ما امر کرد، که میراث امت یعقوب است» (کتاب تثنیه، باب سی و سه آیه چهارم). عبارت عبری כתר תורה «تاج تورات» بدون شک برای تشخیص این اشیاء به کار رفته است. علاوه بر آن، دو آیه کتاب مقدس حاکی از وجود ارتباط بین کتاریم «تاج‌های تورات» مسطح و تاج‌های نصب شده روی محفظه‌های تورات متداول در عراق و نواحی غربی ایران‌اند. در نمونه‌های عراقی و نواحی غربی، همین آیات روی لوحه‌های داخلی محفظه‌ها منقوش گردیده‌اند. در این جا نیز عبارت عبری כתר תורה در قسمت بالای لوحه : کلمه כתר در سمت راست و کلمه תורה در سمت چپ، مشاهده می‌شود. مشابهت عبارات منقوش مبین وجود ارتباط بین محفظه تورات‌های نوع عراقی با کتاریم کار یزد می‌باشد. در اینجا سئوالی درباره دیگر مشترکات میان نمونه‌های فوق‌الذکر پیش می‌آید، و جالب آن که منظره نیمرخ کتاریم کار یزد نشان می‌دهد که آنها فقط از یک طرف مسطح بوده و از جانب دیگر حالت محدب دارند. هنگامی که این دو روبروی هم قرار می‌گیرند دو نیمه یک تاج کوچک کروی را تشکیل می‌دهند که بر روی یک بدنه باریک استوانه‌ای (شفت) قرار داده شده است. تاج تورات یزد، همانند تاجی که روی محفظه تورات عراقی نصب شده است، به تدریج که به کاکل یا جقه نزدیک می‌شود، باریک‌تر شده، و آویزه‌ها و زنگوله‌هایی به اطراف آن متصل می‌گردد. این شباهت تصادفی نیست و براساس نتایج یک بررسی وسیع‌تر ریشه در سنت‌های متشابه مربوط به تاج‌های محلی و همچنین آرایش موی سر در عراق و نواحی شرقی ایران دارد. در مشرق ایران، همانند سایر نواحی، طرح‌های محلی سنتی معمول در ساخت تاج (به طور اعم) مدل و مبنای طرح تاج تورات بوده است. به طور مثال، تاج توراتی که برای اولین بار در سده یازدهم به آن اشاره شده است، با الهام از شیوه‌های معمول در دوران قبل از اسلام طراحی و ساخته شده است. مثال مناسبی از کاربرد این سبک را می‌توان در تاج کنده‌کاری شده روی یک ظرف نقره مربوط به دوران ساسانیان (قرن چهارم) مشاهده کرد. نظر به این که تاج‌های پادشاهان ساسانی با الهام از کرات آسمانی (اجرام سماوی) ساخته می‌شدند، (مفهوم کرویت) و عناصر گرد و کروی شکل در ساخت آنها نقش عمده‌ای داشته‌اند. بنابراین، تاج تورات‌های متداول در مناطقی که امروزه به نام عراق یا مغرب ایران خوانده می‌شوند تحت تأثیر عوامل مزبور به صورت یک تاج کروی یا پیازی شکل بزرگ ساخته شده‌اند. این شباهت در تاج‌های نصب شده روی محفظه‌های ساخت مناطق کردنشین چشم‌گیرتر است. میله‌های ششگانه‌ای که اطراف این تاج را فرا گرفته‌اند می‌توانند با الهام از اشعه خورشید که تاج بهرام اول (273 تا 276) را در بر گرفته‌اند طراحی و تعبیه شده باشند. تاج‌های ساخته شده در نواحی شرقی ایران، که تحت تأثیر شیوه آرایش و تزئین موی سر در آن روزها قرار داشته است، از لحاظ شکل با تاج‌های مزبور شباهت داشته لیکن از حیث اندازه متفاوتند. رسم هندیان چنین بوده که موی سر را به صورت یک گره بزرگ (شبیه گوجه فرنگی) روی سر جمع می‌کردند. نمونه این سبک در زمان ساسانیان را می‌توان در آرایش موی سر کاهنه معبد آناهیتا، خدای باروری (در کشت و کار) در قرن پنجم مشاهده کرد. این سبک صدها سال معرف و نمونه آرایش موی سر در مشرق ایران بود، و حتی امروزه نیز می‌توان نشانه‌ای از آن را در «گوبپا»، که نوعی تزیین سرپوش دختران ترکمن است مشاهده کرد. گوبپا تزیینی نقره‌ای کروی شکلی است که روی کاکل آن زنگوله‌هایی آویزان شده است. این سبک آرایش و زینت‌آلات مربوط به موی سر در آن دوران الهام‌بخش طراحان تاج تورات در نواحی شرقی ایران گردید. قدیمی‌تریم نمونه موجود از این نوع تاجی است که در قرن هفدهم در کای فنگ فو واقع در چین شمالی، که در قرون وسطی محل استقرار عده‌ای از یهودیان ایران شده بود، ساخته شده است. محفظه تورات ساخت کای فنگ فو، که امروزه در موزه اسپرتوس در شهر لوس‌آنجلس نگهداری می‌شود، دارای یک تاج چوبی کروی شکل کشیده (مطول شده) است که روی در محفظه نصب شده است. شگفت‌انگیز آن که، این تاج یکپارچه است، یعنی فقط به یک وجه از محفظه متصل شده است که این خود از مشخصه‌های اوایل دوران ساخت تاج به شمار می‌رود. با در نظر گرفتن سبک مرسوم در مشرق ایران و همچنین اصلیت ایرانی محفظه تورات ساخت کای فنگ فو، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تاج‌های تورات ساخت نواحی شرقی ایران در ابتدا به صورت دو نیمه ساخته نمی‌شدند، لکن بعداً، همان‌گونه که در یزد مرسوم بود، به صورت دو بخش مجزا از یکدیگر ساخته شده و به دو نقطه محفظه متصل گردیده است. دو تکه شدن تاج و وجود نوشته‌ها در قسمت داخلی هر یک از تکه‌ها نشان‌دهنده آن است که تاج مزبور نیز همانند تاج ساخت عراق زمانی به محفظه متصل بوده است. هیچ دلیلی برای دو نیمه کردن تاج، به جز برای باز و بسته کردن در، به طور مثال، در دست نیست – البته مشروط بر این که اصولاً اتصال تاج به محفظه مرسوم بوده است. سئوال دیگری که پیش می‌آید آن است که چرا تاج متصل به محفظه از جای خود جدا شده و چرا شکل محدب آن مسطح شده است؟ راه‌گشای این معما در این حقیقت نهفته است که اندک تعداد تاج‌های موجود از این نوع تماماً از نقره ساخته شده‌اند. می‌توان چنین پنداشت که در مشرق ایران تاج تورات‌های اولیه، همانند سایر تاج‌ها و محفظه‌های ساخت دیگر مناطق از جمله چین، عراق و ایران (شامل ناحیه کردستان)، از چوب ساخته می‌شدند. بسیاری از این محفظه‌ها دارای پوششی از نقره‌اند، و به همین ترتیب تاج یا جقه (کامل) آنها نیز از نقره ساخته شده است. جقه محفظه‌های ساخت عراق، حتی محفظه‌های ساده‌ای که فقط دارای پوشش مخملی بوده و یا اساساً دارای پوشش نبودند، از نقره ساخته می‌شد. دلیل این کار آن است که با استفاده از فلز اشیاء مزبور با مهارت نسبتاً بیشتری ساخته می‌شوند؛ از طرفی وجود فلز برای ایجاد صدای مطلوب ضروری است، زیرا زنگوله‌ها و سایر آویزه‌های تاج فقط در برخورد با جسم فلزی ایجاد صدا می‌کنند. استفاده از دو نوع ماده اولیه، یعنی چوب و فلز، همکاری دو نوع از صنعتگران را لازم می‌داشت؛ ساختن محفظه، و همچنین قسمت‌های از عمده تاج، به عهده نجاران بود، و نقره‌کاران جقه یا کاکل تاج را، که بر قسمت‌ انتهایی آن سوار می‌شد، می‌ساختند. بعدها، بسیاری از محفظه‌ها با ورقه‌ها یا پلاک‌های نقره پوشیده یا تزیین شدند که در این مواقع همکاری نزدیک‌تر صنعت‌گران مزبور ضروری احساس می‌شد. همه این نکات ما را مجدداً به تاج ساخت نواحی مشرق ایران، که موضوع اصلی مورد بحث ما است، برمی‌گرداند. در ابتدای امر این تاج‌های کوچک، همانگونه که در مورد ساخت اغلب جقه‌ها در کردستان ایران معمول بوده و هست، احتمالاً از چوب ساخته می‌شدند. هر دو تکه، تاج و محفظه، توسط نجارها ساخته می‌شدند. تقسیم تاج به دو نیمه ظاهراً در این برهه از زمان صورت گرفته است. بعدها، با ظریف‌تر و پیچیده‌تر شدن طرح و افزودن زنگوله‌ها به آن، ساخت قسمت تاج محفظه از عهده نجاران خارج گردید. در این مقطع انتقالی حساس، کار از قلمرو یک حرفه به حرفه دیگر منتقل شد. به نظر می‌رسد که نجاران، به علت کوچک و ظریف بودن و پیچیده‌تر (فنی‌تر) شدن کار ساخت، دیگر در این قسمت از کار مداخله‌ای نداشته‌اند و ساخت تمامی تاج به عهده صنعت‌گر نقره‌کار واگذار شده بود. از این مقطع زمان به بعد، عمل اتصال تاج به محفظه مستلزم وجود هماهنگی بین دو صنعت‌گر می‌بود. اگر چه تاریخ دقیق این تغییر و تحول هرگز روشن نخواهد شد، با وجود این، کتاریم ساخت افغانستان ثابت می‌کند که تا قبل از سال 1839، یعنی هنگامی که تعدادی از یهودیان مشهد به هرات گریختند، دو تکه تاج از محفظه جدا شده و به صورت اشیایی جداگانه درآمده بودند. شکل ظاهری محتملاً به همان صورت قبلی باقی ماند، لکن به منظور حفظ استواری و توازن تاج بر روی محفظه، پایه باریکی تعبیه گردید و دو نیمه تاج در قسمت میانی محفظه و بر بالای غلتک‌ها استقرار یافتند. وجود فاصله بین دستک‌های طومار (غلتک‌ها)، نصب دو نیمه تاج، به صورت کماکان روبروی یکدیگر ولی جدا از هم را الزامی می‌ساخت. جدا کردن دو نیمه از یکدیگر منجر به ضایع شدن شکل تاج گردید و طرح معنای خود را از دست داد. مرحله بعدی تحول در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تحقق یافت؛ این مصادف با زمانی بود که حجم نوشته‌های مربوط به اهدا کننده و یا سازنده بر روی تاج به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته بود. جزئیات مربوط به شخص (اهدا کننده) به عبارات و متون مذهبی منقوش اضافه گردید، که این خود قسمتی از سنت یا گرایش نوعی به‌شمار می‌رفت که معمولاً در آن روزگاران در زمینه ظواهر و نمودهای تشریفاتی مذهبی بر جامعه‌های ساکن در ایران و عراق حاکم بود. مثال مناسبی از این تحول تاجی است که در سال 1915 در شهر زرقان ساخته شده و عبارات منقوش تمامی بخش مسطح هر دو نیمه تاج را پوشانده است. بخش مشخصات فردی نوشته‌های مزبور با کلمات عبری זה כתר של ספר התורה (زه کتر شل سفر هتوراه) به معنای «این است تاج سفر تورات» شروع شده و ضمن آن شیء ساخته شده را به عنوان تاج تعریف و توصیف می‌کند. نیاز به فضای بیشتر برای درج آیات و همچنین ذکر مشخصات فردی، ما را به مرحله دیگری از تغییر و تحول، یعنی مسطح (تخت) کردن بخش محدب خارجی تاج هدایت می‌کند. یک جفت کتاریم مربوط به قرن نوزدهم هرات، مثال برجسته‌ای از نتایج حاصله از این تحول به دست می‌دهد. در قسمت جلویی گلدسته سمت چپ عباراتی از تورات و قبالا (تصوف یهود) به چشم می‌خورد، در حالی که بر روی گلدسته سمت راست، در صورتی که از پشت به آن نگریسته شود، نوشته‌های مذهبی و به دنبال آن اطلاعات مربوط به اهدا کننده دیده می‌شود. در بالای این طرف لوحه عبارت سنتی כתר תורה نقش بسته است. تغییر دیگری نیز در محل قرار گرفتن تاج در بالای محفظه به‌وجود آمد. گلدسته‌های مسطح شده تاج (کتاریم)، که اکثراً به یک بدنه استوانه‌ای معمولی (شفت) متصل شده و (مجموعاً) بر بالای غلتک‌ها سوار شده‌اند، دیگر روبروی هم نبوده، بلکه با چرخش آن‌ها به سمت جلو، آن‌ها را روبروی قاری تورات قرار داده‌اند. به این ترتیب، گلدسته‌های متصل به تاج در واقع همانند یک جفت گلدسته معمولی به نظر می‌رسند. در قسمت‌های دور افتاده افغانستان، محل اصلی کتاریم در بالای غلتک‌ها تا به امروز بدون تغییر باقی مانده است. با وجود این در مورد نمونه یزد، سر غلتک‌های تورات دیگر از داخل محفظه بیرون زده نیست، و به جای آن‌ها در لبه محفظه دو میله مخصوص تعبیه شده است. در طرح کتاریم نیز تغییراتی به وقوع پیوسته است. در افغانستان، کتاریم هنوز شباهت خود را به بدنه گلابی شکل تاج‌های ابتدایی حفظ کرده است. این جامعه کوچک و دورافتاده جوهر ذاتی و یا عنصر اساسی تاج دو نیمه شده و همچنین شکل ظاهری آن و عبارت כתר תורה را کماکان حفظ کرده است. فقط در این اواخر بود که تحت تأثیر نهضت ملی یهود انواع جدیدی، همچون یک جفت کتاریم شش ضلعی (با الهام از ستاره داود) ساخته شد. تاریخ ساخت کتاریم مزبور سال 1938 است. در مشرق ایران، تاج مسطح تغییرات متفاوتی داشته است. در آن جا که جامعه خود را پذیرای تحول و نفوذ هنری محلی نشان داده بود، تاج گلابی شکل مسطح اشکال متنوعی از قبیل کمانی یا هلالی، نوک‌دار و بته ترمه‌ای (جقه‌ای) به خود گرفت. چشمگیرترین این اشکال طلسم خمسه یا دست فاطمه است که در اینجا در یک نمونه مربوط به سال 1904 دیده می‌شود. در خاتمه، به نظر می‌رسد توانسته باشیم معمای گلدسته‌های مسطح را حل کنیم. گلدسته‌های مسطح از لحاظ ترکیب قسمت میانی‌شان به عنوان نواده تاج ابتدایی کوچک و کشیده تورات به شمار می‌آیند. علیرغم تغییراتی که در جهت تکامل آن به عمل آمده است، این نوع تاج تورات تا به امروز به عنوان طرح ضروری و اساسی حفظ شده است. اعضاء جامعه یهودیان مستقر در نواحی شرقی ایران این نکته را تشخیص داده‌اند که گلدسته‌های دارای سطوح جانبی صاف (مسطح) با نمونه‌های کروی آن تفاوت اساسی دارند، و این تفاوت را با افزودن گلدسته‌های تاج و همچنین با منقوش کردن عبارت כתר תורה تداوم بخشیدند. با توجه مجدد به آخرین جفت کتاریم در می‌یابیم که در اینجا، به علت تفاوت بنیادی موجود بین شکل آنها با شکل اسلافشان (کتاریم اولیه)، نامگذاری نمونه‌ها نه تنها وسیله تمیز آنها از یکدیگر، بلکه واجد اهمیت اساسی از لحاظ شناخت ماهیت انواع مختلف تاج‌های تورات به شمار می‌روند. در این مورد، صنعتگر مربوطه ممکن است احساس کند که بیش از حد جلو رفته است، لذا، به منظور جلوگیری از سوءتفاهم، مقصود خود را ضمن عباراتی، که در قسمت پائینی گلدسته تاج طرف راست حکاکی شده، بدین‌ شرح بیان کرده است. קראתי שמו זה עטרת / לא רימון ולא כותרתگرچه در ترجمه دو مصراع بالا قافیه آن از بین می‌رود، اما مفهوم آن بدین قرار است: «من آن را تاج نام نهاده‌ام / نه گلدسته اناز و نه کاکل». |

|  |
| --- |
|   |

منبع: نشریه افق بینا، ارگان انجمن کلیمیان تهران